

اعتبارسنجی روایات جمع و تدوین قرآن کریم در زمان ابوبکر و عمر

سهراب مروتی^۱
فرشته دارابی^۲

چکیده

مسأله جمع و تدوین قرآن کریم و اصول حاکم بر آن، از مسائل مهم علوم قرآنی و اسلامی است. به این موضوع از نظرگاه‌های مختلف نگریسته شده است. این مسأله در همه ادوار تاریخی، محققان و اندیشمندان اسلامی و حتی در قرن معاصر مستشرقین را به تکاپو در این رابطه وادار نموده است. افق نگاه در این پژوهش، تکیه بر روایات جمع قرآن در زمان خلیفه اول و دوم دارد؛ بر این اساس که این روایت‌ها را از جوامع روایی، به ویژه اهل سنت گرد آورده و با استناد به شواهد و قراین مستند بین فریقین و علی‌الخصوص اهل سنت به تحلیل و اعتبارسنجی این روایت‌ها پرداخته است. این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی به استخراج احادیث جمع آوری قرآن در زمان خلفای اول و دوم از منابع اصلی حدیثی اهل سنت پرداخته و سپس با روش توصیفی تحلیلی، با استفاده از ابزارهای نقد حدیث درصدد نقد و اعتبارسنجی این روایت‌ها است. دستاورد این پژوهش این است که جمع آوری قرآن در زمان رسول خدا ﷺ صورت گرفته و روایت‌های جمع آوری به دست خلفا پذیرفتنی نیست. کلید واژه‌ها: جمع قرآن، عصر نبوی، دوران خلفا، نقد متنی روایات، مصاحف.

مقدمه

هر مسلمانی علاقه مند است که با تاریخ کتاب دینی خود آشنا گردد و از لا به لای مدارک موجود، میزان اهتمام مسلمانان صدر اسلام را به این کتاب مقدس به دست آورد؛ زیرا قرآن کریم، معتبرترین منبع اسلامی و از جنبه‌های گوناگون، کتابی بی همتا است؛ به گونه که

۱. دانشیار دانشگاه ایلام (sohrab_morovati@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی (fereshteh_darabi81@yahoo.com).

خداوند متعال قرآن را این چنین معرفی می نماید:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۳

این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است.

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه شریفه این چنین فرمودند:

در آن، بدگمانی و شک ندارد و حتی چیزی که سبب شک و بدگمانی شده، در این کتاب وجود ندارد.^۴

اما با این وجود، برای مسلمانان جالب است که بدانند قرآنی که اکنون بی هیچ تغییری در دست ما قرار دارد، چه فرازونشیبی را پیموده است. یکی از دقیق ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی تاریخ تدوین قرآن کریم است. تاریخ، به روشنی گواهی می دهد که وحی آسمانی از اهمیتی خاص میان مسلمانان برخوردار بوده؛ به گونه ای که در طول تاریخ درد و زمینه حفظ و کتابت قرآن همه توان و امکانات خویش را به کار گرفته اند. با وجود این، مسأله جمع قرآن، از مسائل مهمی است که همیشه مورد نزاع میان اندیشمندان از فرق مختلف اسلامی بوده است. عالمان اسلامی علاوه بر اهمیتی خود موضوع، از آن رو که فضل جمع قرآن را به خلیفه ای خاص نسبت دهند، درباره آن بحث کرده اند. اما دانشمندان غربی انگیزه های دیگری برای تحقیق در این مسأله داشته اند. خاورشناسان در مطالعات قرآنی خود، همواره در پی مقایسه قرآن کریم با کتب مقدس در ویژگی های مختلف آن بوده اند و سعی کرده اند خاستگاهی یهودی برای قرآن و مفاهیم آن اثبات کنند. از سوی دیگر، مشاهده می شود که مناقشات مربوط به تاریخ تدوین متن عهدین را به تاریخ تدوین قرآن نسبت داده اند تا بنیان اصیل ترین اعتقاد مسلمانان را - که همان مصونیت و عدم تحریف قرآن کریم است - زیر سؤال ببرند.

بنا بر این، پژوهش حاضر به تحلیل این روایات می پردازد تا روایات صحیح را از سقیم تمیز داده و زمان دقیق تدوین قرآن کریم را مشخص کند. از این رو، به بررسی روایت های جمع و تدوین قرآن کریم توسط ابوبکر و عمر - که منشأ شک و شبهه در این وادی از علوم قرآنی است، پرداخته می شود. باید توجه داشت که اگر بخشی از روایت ها،

۳. سوره بقره، آیه ۲.

۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۸.

با استفاده از قراین و شواهد به زیر سؤال برود و متزلزل گردد، برای مردود دانستن آن کافی است.

پیشینه علمی تحقیق

با توجه به جست و جوهایی که نگارنده درباره سابقه و پیشینه این پژوهش با عنوان «اعتبارسنجی روایات های جمع و تدوین قرآن کریم توسط خلفای سه گانه» در منابع و مآخذ صورت داده است، هیچ گونه پژوهشی که به تحلیل و اعتبارسنجی روایات به صورت کار نقد سندی و متنی باشد، در منابع اینترنتی و نیز بانک های اطلاعاتی، مربوط به پایان نامه های کار شده در سطح کشور و نیز مقاله ای که در یکی از مجلات و نشریات داخلی به چاپ رسیده باشد، مشاهده نکرده است، اما درباره جمع قرآن کریم به عنوان یکی از مباحث تاریخ قرآن از قرون پیشین آثار بسیاری نگاشته شده است. در این قسمت به علت رعایت اختصار به برخی از این منابع اشاره می شود:

۱. کتاب تاریخ جمع قرآن کریم محمد رضا جلالی نائینی؛ در این کتاب به شرح و بیان این مسأله به صورت جریانی تاریخی پرداخته شده است؛ بدون این که برای مسأله نقدی انجام بدهد.

۲. کتاب حقایق هامة حول القرآن الکریم سید جعفر مرتضی عاملی؛ ایشان یک بخش از کتابش را به مسأله جمع قرآن کریم اختصاص داده، دیدگاه ها و نظریات مختلف درباره جمع قرآن کریم را بیان نموده و سپس جمع کننده قرآن را در زمان پیامبر ﷺ معرفی کرده، روایات جمع قرآن در زمان خلفا، مصحف های صحابه و ویژگی آنها را بیان نموده است.

۳. کتاب کاوشی در تاریخ جمع قرآن سید محمد علی ایازی؛ این کتاب مشتمل بر سه بحث است که عبارت اند از: ادله موافقان توقیفیت آیات و سوره ها، ادله جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ بر پایه سنت، ادله مخالفان توقیفیت آیات و سوره های قرآن. نویسنده در این کتاب بیشتر درباره مسأله توقیفیت بحث نموده و بحث و نقدی برای مسأله روایات جمع و تدوین در زمان خلفا، نگارش و مدون نمودن قرآن انجام ندادند.

۴. پایان نامه «جمع قرآن کریم» که توسط احمد فغانی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و به راهنمایی استاد جعفر سامی در سال ۱۳۷۰ نگاشته شده است. در این پایان نامه موضوع جمع قرآن را به طور مستقل مورد بحث قرار داده، اما تنها به گزارش این قضیه به صورت تاریخی پرداخته است.

۵. پایان نامه «تدوین و جمع آوری قرآن» که توسط محمد عیسی واعظی در مقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی سید محمد علی ایازی در سال ۱۳۸۳ نوشته شده است. این پایان نامه نیز به طور مستقل به موضوع جمع و تدوین قرآن پرداخته، اما فقط گزارشی از آن ارائه داده است.

تفاوت پژوهش حاضر، با پژوهش‌های پیشین در این است که این پژوهش در درجه نخست، بر روایت‌های جمع قرآن در زمان ابوبکر و عمر تکیه دارد و در ابتدا به نقد سندی این روایات با تکیه بر نظرات اهل سنت پرداخته و سپس با دسته بندی شواهد و قراین محتوایی - که دلالت بر نظم و ترتیب قرآن و نگارش و کتابت آن در زمان رسول ﷺ دارند - پایه‌های روایت‌های جمع قرآن در زمان خلیفه اول و دوم را - که در بین اهل سنت مشهور است - متزلزل می‌نماید. هر کدام از این شواهد، یک قسمت از روایت‌های جمع قرآن را در زمان خلفا مورد تردید قرار دهند، کافی است تا بر این گونه روایت‌ها خط بطلان بکشد. شایان ذکر است که این شواهد از منابع اهل سنت استخراج شده تا تعارض موجود در منابع مشهور ایشان روشن گردد.

روایت‌های جمع قرآن در زمان ابوبکر و عمر

در این قسمت بارزترین روایات جمع و تدوین قرآن کریم در زمان خلیفه اول و دوم از کتب اهل سنت استخراج شده است. به جهت رعایت اختصار روایت‌های مشابه ذکر نمی‌شود. مهم‌ترین این روایت‌ها عبارت‌اند از:

۱. هشام از پدرش عروه بن زبیر نقل کرده است که وی گفت: همانا ابوبکر کسی است که قرآن را پس از رحلت نبی اکرم ﷺ جمع نمود.^۵
۲. عروه بن الزبیر گفت: زمانی که قراء در جنگ یمامه کشته شدند، ابوبکر ترسید قرآن از بین برود؛ به همین جهت تیمی را برای جمع قرآن تشکیل داد و به عمر و زید دستور داد که بر در مسجد بنشینند و از هیچ کس چیزی از قرآن نپذیرند، مگر این که دو نفر مرد بدان شهادت دهند. در آن صورت بنویسند.^۶

۵. کتاب المصاحف، ص ۴۸. حدیث از نوع منقطع است؛ زیرا در سند این حدیث منظور از پدر هشام؛ عروه بن زبیر است که هیچ‌گاه ابوبکر را ندیده است و نمی‌تواند از وی حدیث نقل کنند؛ زیرا او در سال هجده هجری متولد شده، در حالی که ابوبکر در سال سیزده هجری وفات کردند (تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۶۷).

۶. فتح الباری، ج ۹، ص ۱۲؛ جمال القراء و کمال القراء، ج ۱، ص ۸۶؛ المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، ص ۵۵. اسنادش، به دلیلی که در روایت پیشین بیان گردید، منقطع است.

۳. زید بن ثابت گفت: ابوبکر پس از کشتار یمامه دنبال من فرستاد، در آن وقت عمر پسر خطاب نزد او بود. ابوبکر گفت: عمر نزد من آمده و می گوید که کشتار در روز یمامه بر قاریان قرآن سخت بود و من بیم آن دارم که کشتار در جاهای دیگر شدت یابد؛ پس بسیاری از قاریان قرآن از بین می روند و من معتقدم که توبه گرد آوردن قرآن فرمان دهی. من به عمر گفتم: چگونه کاری کنم که رسول خدا ﷺ آن را نکرده است؟ عمر گفت: سوگند به خدای، که این کار خیری است؛ پیوسته عمر به من مراجعه می کرد و آن قدر گفتار را تکرار کرد و بر من پیچید تا خدا سینه مرا به این کار گشود و در آن همان را دیدم که عمر قبلاً دیده بود. عمر در آن جا نشست بود و خاموش بود. سپس ابوبکر به من گفت توجوان خردمندی هستی و به کارهای ناشایسته آلودگی نداری و توبه بودی که وحی بر رسول خدای را می نوشتی. پس قرآن را جست و جو کن و آن را فراهم آور. سوگند به خدای، که اگر به من این تکلیف می کردند کوهی از کوه ها جابه جا کنم، بر من سنگین تر از آن نبود که مرا به جمع قرآن فرمودند. گفتم: چگونه کاری می کنید که پیامبر خدا ﷺ آن را انجام نداده است؟ ابوبکر گفت: به خدا، این کار خیر است. پس پیوسته ابوبکر به من مراجعه می کرد تا خداوند سینه مرا گشود؛ به همان گونه که سینه های عمر و ابوبکر را بر این کار گشوده بود. پس برخاستم و قرآن را جست و جو کردم، و آن را از شاخه های خرما، سنگ های نازک سپید و سینه های مردمان گرد آوردم و سرانجام دو آیت آخر سوره توبه را نزد ابو خزیمه انصاری یافتم که نزد احدی نیافته بودم. این صحف نزد ابوبکر ماند تا بدرود حیات گفت. بعد در حیات عمر پیش او بود و سپس نزد حفصه دختر عمر.^۷

۴. سیوطی به نقل از ابن اشته آورده است: اولین کسی که قرآن را در مصحفی جمع کرد، سالم مولی ابی حذیفه بود. قسم خورد که ردا نپوشد تا این که آن را جمع نماید. پس آن را جمع کرد. آن گاه با هم مشورت کردند که آن را چه بنامند؟ بعضی گفتند: سفر بنامید. گفت: آن اسمی است که یهود آن را بر کتاب خود نهاده اند. پس این اسم ناخوشایند آمد. آن گاه گفت: همانندش را در حبشه دیدم، مصحف نامیده می شد. پس نظرشان بر این جمع شد که آن را مصحف بنامند.^۸

۵. عمر درباره آیه ای از قرآن سؤال کرد، در پاسخ وی گفتند که این آیه در نزد فلان قاری

۷. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۹۸. سند این حدیث در کتب اهل سنت صحیح و همه رجال این روایت ثقه و سلسله حدیث متصل دانسته اند (فضائل القرآن، ص ۱۵۴؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۶۵؛ کتاب المصاحف، ص ۵۵).

۸. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹. سیوطی سلسله سند این حدیث را منقطع دانسته است (همان، ج ۱، ص ۲۱۰).

بود که در جنگ یمامه کشته شد. عمر بن خطاب با احساس خطر از این که شاید قرآن با از بین رفتن حافظان آن به تدریج از بین برود، کلمه استرجاع «اَنَا لِلَّهِ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را بر زبان راند و دستور داد که هر چه زودتر قرآن را جمع آوری کنند. او اولین کسی بود که قرآن را در مصحف جمع نمود.^۹

۶. یحیی بن عبد الرحمان بن خطاب نقل می‌کند که عمر بن خطاب تصمیم گرفت قرآن را جمع آوری کند؛ در میان مردم به پا خاست و گفت: هر کس چیزی از قرآن را از رسول خدا فرا گرفته است، بیاورد و مردم آیاتی را که در لوح‌ها و استخوان‌های شتر و شاخه‌های پهن نوشته بودند، آوردند؛ ولی عمر از کسی آیه‌ای را نمی‌پذیرفت، مگر آن چه را که دو نفر به قرآن بودندش شهادت دهند. عمر در همان روزها - که مشغول جمع آوری قرآن بود - به قتل رسید. پس از وی - که عثمان زمام خلافت را به دست گرفت - به مردم ابلاغ نمود که در پیش هر کس آیه و یا آیاتی از کتاب خدا وجود دارد، بیاورد؛ ولی او هم هیچ سخنی را قبول نمی‌کرد، مگر با شهادت دو نفر که قرآن بودن آن را امضا و تصدیق کنند. در آن هنگام، خزیمه بن ثابت آمد و گفت: من با چشم خود دیدم که شما دو آیه از قرآن را کنار گذاشتید و آنها را ننوشتید. گفتند: آن دو آیه کدام است؟ گفت: من خودم از رسول خدا این دو آیه را فرا گرفته‌ام. آن‌گاه دو آیه آخر سوره براءت را خواند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ...». عثمان این دو آیه را که از خزیمه شنید، گفت: من شهادت می‌دهم که این دو آیه از طرف خدا نازل شده است. شما چه مصلحت می‌دانید و این آیه را در کجای قرآن قرار دهیم؟ خزیمه گفت: این دو آیه را به آخرین سوره‌ای که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، ملحق کنید! این بود که این دو آیه را به آخر سوره براءت ملحق ساختند و آن سوره را با همان دو آیه پایان دادند.^{۱۰}

۹. کتاب المصاحف، ص ۶۰؛ البدایة والنهایة، ص ۱۶؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۸. ابن حجر و ابن کثیر در کتاب هایشان اسناد این روایت را منقطع دانسته‌اند؛ زیرا حسن بصری، عمر بن خطاب را درک نکرده است (رک: تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۶۳؛ البدایة والنهایة، ص ۱۶). هم چنین عبدالله بن محمد - که از راویان حدیث است - جرح یا تعدیلی در باره وی در کتب نیامده است (رک: کتاب المصاحف، ص ۶۰).

۱۰. کتاب المصاحف، ص ۶۰؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۹. اسناد این روایت منقطع است؛ زیرا یکی از راویان این روایت یحیی بن عبد الرحمن است که عمر بن الخطاب ملاقات نکرده است. (رک: تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۲۶۷)، اما در کتاب مصاحف سند این روایت ضعیف دانسته شده؛ زیرا عمر بن طلحة اللیثی را فردی بی‌تقوا معرفی کردند (رک: کتاب المصاحف، ص ۶۲).

اعتبارسنجی داخلی (نقد متنی) روایات

تحلیل و نقد محتوایی روایات، براساس معیارهای مورد اعتماد جمیع مسلمین صورت گرفته این معیارها عبارت‌اند از:

۱. اضطراب، ۲. قرآن، ۳. سنت، ۴. عقل، ۵. تاریخ، ۶. اجماع.

الف) معیار اضطراب

اضطراب در متن، درجایی است که متن روایت به صورت‌های مختلف و غیرقابل جمع نقل شده باشد.^{۱۱} متن روایت‌های جمع آوری قرآن کریم، پس از پیامبر ﷺ و در زمان خلیفه اول و دوم، تناقض‌های آشکاری با هم دارند که عبارت‌اند از:

۱. طراح نخستین جمع قرآن کریم

براساس روایت دوم، ایده جمع قرآن برای نخستین بار توسط ابوبکر مطرح گردید. او تیمی را برای جمع قرآن تشکیل داد و به عمرو زید دستور داد که بر در مسجد بنشینند. این درحالی است که بنا بر روایت سوم، پنجم و ششم این اقدام به پیشنهاد عمر صورت گرفت.

۲. جمع‌کننده نخستین

طبق روایت‌های اول تا سوم، نخستین کسی که قرآن را جمع کرد، ابوبکر بود. این در حالی است که در روایت چهارم، نخستین جمع‌کننده قرآن سالم مولی ابی حذیفه، و در روایت پنجم، نخستین کسی که اقدام به جمع آوری قرآن نمود، عمر بود. اما در روایت ششم، این اقدام در زمان عمر ناقص ماند و عثمان جمع قرآن را انجام داد.

آیه‌الله خوبی معتقد است که تناقض درونی این روایات، باعث سلب اعتماد به آنها می‌شود.^{۱۲} به همین جهت، اضطراب درونی این روایات، زمینه نقد روایات جمع قرآن را فراهم آورده است؛ هر چند استاد معرفت معتقد است که این تناقض و اضطراب روایات جمع قرآن بدوی است و با نگاه عمیق‌تر به این روایات، می‌توان میان آنها جمع کرد.^{۱۳}

در نقد نظر آیه‌الله معرفت - که اختلاف بین روایات جمع قرآن را قابل جمع دانسته‌اند - باید اذعان داشت که اختلافات بین روایات جمع قرآن اختلافاتی اساسی است و قابل جمع نیستند؛ زیرا هر یک از این روایات‌ها در پی بزرگ‌نمایی فرد مورد نظر خود

۱۱. روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۶۶۵.

۱۲. بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص ۲۴۷ - ۲۴۶.

۱۳. تاریخ قرآن، ج ۱، ص ۲۸۵.

هستند و به احتمال زیاد منشأ فرقه‌ای و کلامی دارد که از قرن دوم به بعد آغاز شد. برای روشن‌تر شدن بحث، به قراین مستحکم دیگری - که در ذیل آورده می‌شوند - می‌پردازیم:

ب) شواهد قرآنی

بدون تردید، عرضه به قرآن و به عبارت روشن‌تر، مخالفت با قرآن کریم، معتبرترین معیاری است که می‌توان برای بازشناخت روایات صحیح از سقیم مورد استفاده قرارداد. در این قسمت، با جست و جودر آیات قرآن و مفاهیم آنها به دنبال شواهد باید گشت تا مضمون روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر و عمر با آنان سنجیده شود. آیات و شواهد قرآنی را در این زمینه را می‌توان چند دسته طبقه‌بندی نمود که عبارت‌اند از:

ابزارهای نگارش در قرآن کریم

با استناد به آیات، ابزارهای متداول نگارش در زمان رسول ﷺ عبارت‌اند از:
الف. قِرطاس: به معنای کاغذ است؛^{۱۴} به عنوان نمونه در آیه شریفه:

«وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»^{۱۵}

و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو نازل می‌کردیم و آنان، آن را با دست‌های خود لمس می‌کردند، قطعاً کافران می‌گفتند: این [چیزی] جز سحر آشکار نیست.

ب. قلم: به صورت مفرد و جمع یعنی اقلام در چهار مورد در قرآن به کار رفته است؛^{۱۶} به عنوان نمونه آیه شریفه:

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»^{۱۷}
همان کس که به وسیله قلم آموخت.

طبق آیه شریفه خدای تعالی قرائت و یا کتابت را به وسیله قلم بیاموخت،^{۱۸} و یا به

۱۴. المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۶۶.

۱۵. سوره انعام، آیه ۷.

۱۶. برای مطالعه بیشتر به آیات ذیل مراجعه شود: سوره قلم، آیه ۱؛ سوره لقمان، آیه ۲۷؛ سوره آل عمران، آیه ۴۴؛ سوره علق، آیه ۴.

۱۷. سوره علق، آیه ۴.

عبارتی، خداوند از طریق قلم و کتابت همه علوم را به بشر آموخت.^{۱۹} پس چگونه امکان دارد، فرستاده خداوند مهم‌ترین منبع هدایت را - که جامع علوم است - در زمان حیاتش به بشر از طریق قلم و کتابت آموزش ندهد؛ در صورتی که نص آیه شریفه دلالت بر آموزش مبتنی بر کتابت دارد.

ج. مداد: به معنای مرکب مصطلح؛ در آیه شریفه:

«قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَّكَلَّمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا»؛^{۲۰}

بگو: «اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد؛ هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم.

چنان که از بیان آیه برداشت می‌شود، به احتمال زیاد، مسلمانان از این ابزارها برای نگارش و کتابت قرآن کریم استفاده می‌نمودند که آیه شریفه برای تقریب اذهان، جهت فهم مقام والا و غیر قابل تصور مفاهیم الهی این ابزارها را مثال زده است.

د. صُحُف: به معنای برگ‌هایی از کاغذ است که روی آن نوشته شده باشد؛ برگ‌هایی که از دور و مکتوب باشد.^{۲۱} این واژه در هشت مورد از آیات قرآنی به کار رفته است؛ به عنوان مثال در آیه شریفه:

«رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً»؛^{۲۲}

فرستاده‌ای از جانب خدا که [بر آن] صحیفه‌هایی پاک را تلاوت کند.

در تفسیر آیه شریفه آمده است:

صحیفه‌هایی که در آن نوشته‌های درست و موزون و ثابت و پرازش باشد.^{۲۳}

ی. سِجَّل: به معنای پیمان‌نامه و کتابی است که قاضی، دعاوی و احکام را در آن می‌نویسد که آن اسناد معاملات و نامه‌دان است.^{۲۴} این واژه یک مرتبه در قرآن، آن هم تنها

۱۸. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۵۴۹.

۱۹. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۲۰، ص ۳۲۱.

۲۰. سوره کهف، آیه ۱۰۹.

۲۱. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۷۸.

۲۲. سوره بینه، آیه ۲.

۲۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۹۹.

۲۴. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۹۳.

به صورت مفرد، درآیه شریفه ذیل به کاررفته است:

«يَوْمَ تَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِيَكْتُبِ»^{۲۵}

روزی که آسمان را همچون درپیچیدن صفحه نامه‌ها درمی‌پیچیم.

و. رَقِّ: به معنای پوست نازک و ظریفی است که روی آن می‌نویسند.^{۲۶} این کلمه به

صورت مفرد درآیه شریفه آمده است:

«فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ»^{۲۷}

درطوماری گسترده.

از مجموع این آیات چنین برداشت می‌شود که نگارش امری رایج بوده و ابزارهای نگارش در بین مردم متداول بوده است. پس کتابت مسأله تازه‌ای نبوده که در زمان خلافت ابوبکر شیوع پیدا کند و چون سابقه‌ای در این زمینه وجود نداشته، افراد از انجام این امر واهمه داشته باشند یا حتی طبق متن روایات باکشته شدن قراء و حفاظ در جنگ یمامه به فکر جمع قرآن بیفتند. به این ترتیب، هر چند از این آیات، جمع و مدون بودن قرآن کریم استنباط نمی‌گردد، ولی همین قدر که قسمتی از روایات را - که حاکی از عدم نگارش قرآن در زمان رسول‌اند - مخدوش نمایند، حایز اهمیت هستند.

۱. ذکر واژه «کتاب»

واژه کتاب از ماده «ک ت ب» بوده و بارها در قرآن کریم به کاررفته است. در معنای این ماده میان دانشمندان علم لغت دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان آنها را در دو دسته قرار داد:

الف. ماده «کتاب» به معنای جمع و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است.^{۲۸} اطلاق کتاب بر نوشتن و «کتیبه» بر نوشته از این باب است که در نوشتن و نوشته حروف با هم جمع می‌شوند و در کنار هم قرار می‌گیرند.

ب. ماده «کتاب» در اصل به معنای نوشتن است و کتاب، صحیفه‌ای است که در آن نوشته می‌شود.^{۲۹}

۲۵. سوره الأنبياء، آیه ۱۰۴.

۲۶. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۲۲.

۲۷. سوره الطور، آیه ۳.

۲۸. معجم المقاییس اللغه، ج ۵، ص ۱۵۸.

۲۹. لسان العرب، ج ۱، ص ۶۹۸؛ المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۶۹۹.

نتیجه، این که معنای اصلی ماده کتب و ساختارهای صرفی آن، همان نوشتن است. درباره دیدگاه کسانی که معنای اصلی ماده «ک ت ب» را انضمام چیزی به چیزی دیگر می دانند، این نکته شایان توجه است که به یقین، ماده کتب بر هر جمعی قابل صدق نیست؛ زیرا به جمع هر سنگ و چوبی کتاب نگفته اند؛ به عنوان نمونه در آیه شریفه ذیل چنین آمده است:

«كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^{۳۰}؛

کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده، قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می دانند.

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه آورده است:

تفصیل آیات به معنای نظم آن است که به بهترین شکل منظم شده است.^{۳۱}

قرآن مجید در آیات بسیاری «کتاب» نامیده شده است و از این نام گذاری چنین بر می آید که قرآن جمع آوری شده بود؛ زیرا قرآنی که در سینه ها بود و یا در لوحه های پراکنده، تخته پاره ها و استخوان های متفرق نوشته شده باشد، کتاب نامیده نمی شود و معمولاً کتاب مجموعه ای را گویند که دارای وجود واحد مشخص بوده، صورت مدونی داشته باشد. نوشته های پراکنده و قطعه قطعه، کتاب نامیده نمی شود تا چه رسد به آن که اصلاً نوشته نشده، و جای آن دل ها و سینه ها باشد.

۲. آیات تحدی

در آیات تحدی از کفار، مشرکان و آنان که قرآن کریم را به عنوان کتاب آسمانی نمی دانستند، خواسته شده است تا مانند آن یا ده سوره یا حداقل یک سوره بیاورند و چون نتوانستند بیاورند، باید اذعان کنند که قرآن کریم معجزه و کلام الهی است؛ به عنوان نمونه آیه شریفه:

«قُلْ لئن اجتمعت الأنس و الجنُّ على أن يأتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون بمثله»^{۳۲}؛

بگو: اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد.

۳۰. سوره فصلت، آیه ۳.

۳۱. رک: مجمع البیان، ج ۲۲، ص ۹.

۳۲. سوره الاسراء، آیه ۸۸.

علامه طباطبایی در ذیل آیه چنین بیان نمودند:

ضمیر «مثله» در آیات تحدی و لفظ کتاب به تمام قرآن برمی‌گردد.^{۳۳}

و در تفسیر الکشاف، ذیل این بخش از آیه «أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ» آمده است که منظور، نظیر این قرآن را در بلاغت، حسن نظم و تألیف آن آورده شود.^{۳۴} بنا بر این، تحدی تنها به صورت آوردن نظیر قرآن به صورت شفاهی نیست، بلکه یکی از موارد تحدی، تحدی به نظم و تألیف قرآن کریم است. به این ترتیب، قرآن تا آن موقع، آن مقدار که نازل شده بود، به صورت منظم در یک مجموعه در دسترس مشرکان بوده است تا این مبارزه طلبی درست باشد و گرنه می‌گفتند: ما چیزی نداریم تا بتوانیم روی آن فکر کنیم و مانند آن را بیاوریم. تعبیر «هذا القرآن» در این آیات به کار رفته، مؤید این مطلب است.

۳. اظهارات مشرکان

«وَقَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ أَكْتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»؛^{۳۵}

و گفتند: افسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته، و صبح و شام بر او املا می‌شود.

در تفسیر این آیه شریفه آورده‌اند که: کلمه «اكتتاب» به معنای کتابت و نوشتن است، و اگر نوشتن را به آن جناب نسبت داده‌اند، با اینکه ه می‌دانستند آن حضرت نوشتن را نمی‌داند، از باب مجاز، و یا از این باب است که به درخواست او دیگران نوشته باشند.^{۳۶} مرحوم طبرسی در ذیل آیه شریفه این چنین بیان نموده‌اند:

اصل کلمه «اكتتاب» به معنای استکتاب است؛ یعنی این که از کسی بخواهد برایش بنویسد.^{۳۷}

روایت‌هایی که جمع قرآن را به خلیفه اول و گروهش نسبت داده‌اند، با این آیه در تضاد آشکار هستند؛ زیرا طبق این آیه شریفه نوشته‌هایی موجود بوده و مشرکان آن را در دسترس

۳۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۷۹.

۳۴. الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۶۹۲.

۳۵. سوره فرقان، آیه ۵.

۳۶. رک: همان، ج ۳، ص ۲۶۴؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۳۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۸۴.

داشته‌اند تا بتوانند بگویند که پیامبر ﷺ قرآن را از روی افسانه‌های گذشتگان نوشته است. نکته قابل ملاحظه، این که زمانی که مشرکان آیات مکتوب را در اختیار داشتند، چگونه امکان داشت مسلمانان آنها را در اختیار نداشته باشند و با ازگشته شدن حافظان ترس از بین رفتن قرآن وجود داشته باشد.

بنا بر این، از اشاره‌ها و نکته‌های موجود در خود قرآن این چنین برداشت می‌شود که مسأله نگارش و کتابت قرآن امری نوظهور و بدیع نبود که انجمن جمع قرآن در عصر خلفا از انجام آن ترس و واهمه داشته باشند، بلکه طبق مضمون آیات، در عصر نزول، ابزار نگارش در دسترس بوده تا جایی که مشرکین آیات قرآن را افسانه‌های پیشینیان می‌پنداشتند که پیامبر ﷺ دستور به رونوشت از آنها را داده بود.

ج) معیار سنت

برای بررسی روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر و عمر، معیار دیگری که می‌توان آن را به کار گرفت، سنت رسول خدا ﷺ است. شایان ذکر است روایت‌هایی که حکایت از جمع و تدوین قرآن در زمان رسول ﷺ دارند، از منابع روایی اهل سنت استخراج گردیده‌اند تا اولاً، شاهد مثال‌های برای تضعیف روایت‌های جمع قرآن در زمان خلیفه اول و دوم باشند و ثانیاً، تناقض‌های موجود در کتب روایی مهم و مورد اعتماد اهل سنت، درباره این وادی از علوم قرآنی آشکار گردند. مهم‌ترین و بارزترین موارد سنت نبوی در این رابطه عبارت‌اند از:

۱. نظم و ترتیب آیات و سوره‌ها

در بخش نخست، با نگاهی به اسناد و مدارک جمع قرآن، در برابر روایاتی که می‌گوید جمع قرآن، پس از پیامبر ﷺ بوده، اخباری وجود دارد که روشن می‌کند قرآن در عهد پیامبر ﷺ جمع گردیده و آیه‌ها و سوره‌های آن منظم و مرتب شده است. یعقوبی در تاریخش و زرکشی در کتاب *البرهان* چنین نقل کرده‌اند:

هرگاه بر پیامبر آیه و سوره‌ای نازل می‌شد، می‌فرمودند که آنها را بنویسید و در باره آیه‌های پراکنده می‌فرمودند که این آیه را در فلان سوره قرار دهید.^{۳۸}

هم چنین، خازن در *تفسیر لباب التأویل* نقل می‌کند:

۳۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۳؛ *البرهان فی علوم القرآن*، ج ۱، ص ۳۲۵.

جبرئیل همواره می‌گفت این را بگذارید در این جا و یا در آن جا.^{۳۹}

این اخبار اگرچه در باب ترتیب آیات است، اما نکته مهم این‌ها، اهتمام پیامبر ﷺ به گردآوری است. اگر این اخبار را در کنار روایات بسیاری که حکایت از اهتمام فراوان پیامبر ﷺ به کتابت و گردآوری، قرآن می‌کنند، گذاشته شوند، می‌توان چنین استنباط نمود که جمع و ترتیب، در عصر ایشان بوده است.

بنا بر این، نظم آیه‌های قرآن با اشرف حضرت انجام گرفته است؛ زیرا وقتی قرآن به صورت نوشتار درآید، نوشتار نظم کلمه‌ها و جمله‌ها را می‌طلبد؛ بدون نظم و ترتیب کلمه‌ها و جمله‌ها نوشتار صورت نمی‌گیرد.

۲. عرضه قرآن بر رسول

اسنادی موجود هستند که نشان می‌دهد بسیاری از صحابه قرآن را بر حضرت عرضه کردند؛ به عنوان نمونه: ابی بن کعب، قرائت قرآن را بر طبق ترتیب موجود - که آغاز آن سوره «فاتحه» بود و به ترتیب تا سوره «ناس» به پایان می‌رسید - به پیامبر ﷺ عرضه داشت.^{۴۰} هم چنین مشهور است:

زید بن ثابت آخرین عرضه قرآن را شاهد بود - که در این عرضه، موارد منسوخ مشخص شده بود - و قرآن را نوشت و بر پیامبر اکرم ﷺ عرضه داشت.^{۴۱}

از این روایات استفاده می‌شود که این گروه، قرآنی را که گردآوری کرده بودند، بر پیامبر ﷺ عرضه کردند تا مبادا در آن اشکالی به وجود آمده باشد، غلط ثبت شده، یا در ترتیب آن اشتباهی رخ داده باشد. اهتمام نویسندگان وحی نسبت به صحت کتابت و گردآوری چنان بوده است که همواره قرآن را بر پیامبر ﷺ عرضه می‌کردند و اگر اشتباهی می‌دیدند، بر طرف می‌کردند. به همین دلیل، ابن حجر در فتح الباری می‌نویسد:

همه قرآن در زمان رسول ﷺ نوشته و جمع گردید.^{۴۲}

بنا بر این، زمانی که تعدادی از صحابه از جمله خود زید بن ثابت شاهد آخرین عرضه قرآن بوده و طبق روایات، قرآن را نوشته و بر حضرت قرائت کرده‌اند. پس دلیلی

۳۹. لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۱، ص ۸.

۴۰. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶.

۴۱. تاریخ القرآن، ص ۷-۷۱؛ لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۸، ص ۱۳۴.

۴۲. فتح الباری، ج ۹، ص ۱۰.

ندارد که باگرفتن دو شاهد، قرآن را از روی نوشته‌های پراکنده و سینه‌های حفاظ جمع نماید. از طرف دیگر، عرضه قرآن بر رسول ﷺ دلالت بر نظم و ترتیب آیات و سوره‌قرآنی دارد؛ زیرا عرضه یک کتاب و مطلب باید به صورت مرتب و منظم باشد؛ نه این که پراکنده و متفرق باشد.

۳. تألیف قرآن

از دلایل اعتقاد بر تألیف قرآن در زمان رسول ﷺ، روایت مشهوری است که از زید بن ثابت نقل شده است:

كنا عند النبی - صلی الله علیه و سلم - نؤلف القرآن من الرقاع؛^{۴۳}
 نزد پیامبر اکرم ﷺ مشغول به تألیف قرآن از رقاع بودیم.

این نقل، دلیل روشنی است بر آن که قرآن در زمان پیامبر اکرم ﷺ تدوین شده است؛ زیرا واژه نؤلف از منظر لغت شناسان از ریشه «ألف» و به معنای تنظیم و مرتب کردن گرفته شده است.^{۴۴}

در همین زمینه نیز مرحوم طبرسی از سید شریف مرتضی (م ۴۳۶ ق) نقل می‌کند:
 تألیف قرآن در عهد پیامبر ﷺ انجام گرفت به همین شکل - که الآن در اختیار ماست - و ترتیب به همان ترتیب موجود است.^{۴۵}

طبق این روایات، علاوه بر این که قرآن در زمان رسول ﷺ نگارش شده، بلکه این نگارش طبق واژه «تألیف» به صورت منظم و مرتب بوده است. این مطلب بر تمامی روایت‌ها و اقوالی که حاکی از پراکنده ماندن آیات قرآن تا پس از رحلت‌اند، خط بطلان می‌کشد.

۴. تقسیم بندی قرآن

در مجامع حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که قرآن بر چهار مجموعه تقسیم گردیده؛ چهار مجموعه‌ای که هم اکنون در ترتیب مصحف رعایت شده است؛

خداوند به من هفت سوره طولانی (طوال) به جای تورات و سوره‌های صد

۴۳. البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۷، ۲۱۴ و ۵۷۳.

۴۴. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۰.

۴۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷.

آیه ای (مئین) به جای انجیل و سوره های دوگانه کمتر از صد آیه (مثنای) به جای زبور و سوره های کوتاه و پی در پی (مفصلات) به جای دیگر کتاب های انبیای عطا کرده است.^{۴۶}

از این روایت و روایت های شبیه به این - که مجال بیان آنها نیست - چنین برداشت می شود که اگر قرآن در عهد پیامبر ﷺ نظم و ترتیبی مشخص به مانند یک کتاب منسجم نداشته است، حضرت این فصل بندی و تقسیم را بیان نمی کرد. پس پراکنده بودن قرآن در زمان خلفا با این ادله روایی نیز هم خوانی ندارد.

۵. قرائت از روی مصحف

از جمله ادله روایی که پایه های روایات جمع قرآن کریم در زمان ابوبکر و عمر را متزلزل می سازد، روایاتی است که بر قرائت از روی مصحف دلالت دارند. شایان ذکر است که واژه مصحف در نزد لغت دانان زبان عربی به مکتوباتی گفته می شود که در بین الدفتین قرار گرفته باشد.^{۴۷} در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است:

فضیلت تلاوت از روی مصحف بر تلاوت از حفظ، مانند فضیلت واجبات است بر نوافل.^{۴۸}

این روایت و روایت های مشابه، دلیل روشنی بر مجموعه های تألیفی قرآن، پیش از برگزشت رسول خدا ﷺ است. اگر در آن زمان جمع و تدوینی نبود، معنا نداشت که در باره «نظر در مصحف» سخن گفته شود. این که در برخی از گزارش ها در عهد خلفا آمده است که نام گذاری به مصحف در عهد خلفا، پس از جمع آوری آنها بوده است، با این روایات متعارض است، و نشان می دهد که مسأله نام گذاری و جمع قرآن در عهد خلفا در یک سنخ کاملاً ساختگی است.

۶. احکام مصحف ها

دسته ای از احادیث بیان گر این مطلب اند که در عصر پیامبر ﷺ مصحف های متعددی (ناقص یا کامل) نزد صحابه وجود داشته و آنان مصحف های مذکور را قرائت کرده، در اختیار دیگران نیز قرار می دادند. رسول خدا ﷺ نیز احکامی چند درباره آن

۴۶. کنز العمال، ج ۱، ص ۵۷۲؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۶۵.

۴۷. کتاب العین، ج ۳، ص ۱۲۱؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸۶.

۴۸. کنز العمال، ج ۱، ص ۴۵۹؛ محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلاغاء، ج ۲، ص ۴۳۵ و ۴۳۷.

مصاحف مقرر داشته است؛ به عنوان مثال: عبد الله بن عمر گوید:

رسول خدا ﷺ از بردن قرآن به سرزمین کفار نهی فرمود.^{۴۹}

و نیز در نامه‌ای که آن حضرت برای اهل یمن نوشتند و در آن مستحبات، واجبات و دیات را ذکر فرموده‌اند، آمده است:

کسی قرآن را بدون وضو مس نکند.^{۵۰}

هم چنین از ابن عباس روایت شده است:

صحیفه‌ها و نسخه‌های قرآن خرید و فروش نمی‌شد؛ بلکه افراد، کاغذ را نزد

رسول خدا ﷺ می‌آوردند و اشخاص به نوبت و برای تقرب جستن به خداوند،

قرآن را می‌نوشتند تا تمام می‌شد.^{۵۱}

این احادیث بیان‌گراهتمام رسول اکرم ﷺ به تدوین و هم چنین ارسال مصاحف به سرزمین‌های مختلف هستند و هم چنین، دلالت دارند بر این که نسخه‌های از قرآن موجود بوده که حضرت بر این نسخه‌ها احکامی را جاری نموده‌اند.

۷. محل مصحف در مسجد النبی ﷺ

در میان روایات اهل سنت، روایاتی وجود دارد که در صدر اسلام، قرآن را در بین دیوار و منبر می‌گذاشتند. سپس افرادی از روی آنها می‌نوشتند؛ به عنوان نمونه، یزید بن ابی عبید گوید:

همراه سلمة بن الاکوع به مسجد می‌رفتم و او نزد ستونی که قرآن را در آنجا

می‌گذاشتند، نماز می‌خواند.^{۵۲}

هم چنین، در روایت دیگری آمده است:

در مسجد نبی ﷺ مکانی مشخص شده وجود داشت که آن را «مکان

مصحف» می‌نامیدند.^{۵۳}

۴۹. کنز العمال، ج ۱، ص ۵۲۲.

۵۰. السنن الکبری، ج ۱، ص ۳۰۹.

۵۱. همان، ج ۶، ص ۱۶.

۵۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۹.

۵۳. همان، ج ۲، ص ۵۹.

این روایت‌ها گویای دو مطلب‌اند: یکی، رواج کتابت قرآن در زمان رسول گرامی اسلام ﷺ و دیگری، قرار داشتن مصحف رسول ﷺ در بین عموم مردم و در یک مکان عمومی. اگر تمام قاریان و حافظان نیز گذشته می‌شدند، بابت بین رفتن قرآن نگرانی وجود نداشت؛ زیرا قرآن به صورت مصحف و در مکان عمومی در اختیار عامه مردم قرار داشت.

۸. نظارت پیامبر ﷺ بر نگارش

حضرت رسول ﷺ بر کتابت قرآن کریم، خود نظارت می‌فرمودند و حتی نوع رسم الخط حروف را خود مشخص می‌کردند.^{۵۴} هم‌چنین، از کاتبان می‌خواستند تا پس از تحریر، نزد حضرت بازخوانی کنند تا اطمینان حاصل شود که عیناً همان‌طور که خواسته‌اند، مکتوب شود.^{۵۵} از زید بن ثابت روایت شده است:

من همواره وحی را برای رسول خدا ﷺ می‌نوشتم، و چنین بود که وقتی وحی نازل می‌شد، آن را در شرایط شدیدی دریافت می‌داشت ... سپس من وسیله‌ای آورده و در حالی که پیامبر ﷺ املا می‌کرد، من می‌نوشتم ... هنگامی که از نوشتن فارغ می‌شدم، پیامبر ﷺ می‌فرمود: بخوان! من می‌خواندم، چنانچه مطلبی یا چیزی جا افتاده بود، آن را تصحیح می‌کرد، آن‌گاه در اختیار مردم قرار می‌گرفت.^{۵۶}

بنا بر این دسته از روایت‌ها، نگارش قرآن برای پیامبر ﷺ امری مهم بوده که خود بر آن نظارت داشته تا نوشته‌های قرآن از هرگونه خطا و اختلاف مصون بمانند.

۱. لفظ کتاب

در حدیث مشهور ثقلین به آنچه از پیامبر اکرم ﷺ باقی مانده کتاب اطلاق شده است؛ چنان که می‌فرماید:

من در میان شما دو چیز باقی گذاشته‌ام، کتاب خدا و عترتم (اهل بیت) و...^{۵۷}

این حدیث، به روشنی ثابت می‌کند که قرآن در زمان پیامبر جمع‌آوری شده بوده است. اگر کسی بگوید معنای احادیثی که می‌گویند: قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع شده، این

۵۴. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۴.

۵۵. مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۵۲.

۵۶. همان، ص ۱۵۲.

۵۷. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۶۷.

است که در سینه‌ها جمع شده است، به طور مسلم سخن بسیار نادرستی گفته است. اگر این حدیث از کتابت منظم قرآن در عهد پیامبر ﷺ گواهی ندهد، لااقل گواه بر آن است که قرآن از نظر سوره‌آیات هر سوره در زمان پیامبر ﷺ تنظیم شده بود؛ هر چند مجموع آن روی کاغذ نیامده بود.

برخی در موارد دیگر نیز از تعبیر «کتاب» چنین برداشت نموده‌اند؛ وقتی پیامبر ﷺ در هنگام رحلت فرمودند که قلم و دواتی بیاورید تا چیزی بنویسم که پس از من گمراه نشوید، عمر در آنجا حضور داشت و گفت: «حسبنا کتاب الله».^{۵۸} اشاره به لفظ صریح «کتاب الله» را در کلام رسول ﷺ و عمر بن خطاب دلیل بر مجموع بودن قرآن در عهد رسول اکرم ﷺ و کتاب بودن آن باید شمرد.

۲. مصاحف صحابه

در زمان رسول خدا ﷺ هر کدام از صحابه برای خود مصحفی داشتند، و به گونه‌ای که توانسته بودند، تدوین و تنظیم می‌کردند و چنان که گفتیم، نسخه‌ای نیز از هر نوشته‌آیات، نزد رسول خدا ﷺ گرد می‌آمد تا جایی که در برخی روایات آمده است که حضرت به خواستاران مصحف، مصحف می‌دادند؛ مثلاً عثمان بن ابی العاص نقل می‌کند:

هنگام ورود هیأت نمایندگی «ثقیف» بر پیامبر ﷺ وارد شدم و از حضرت مصحفی را - که نزدش بود - خواستار شدم و حضرت آن را به من عطا کرد.^{۵۹}

بر حسب روایات، در زمان ابوبکر مصحف‌هایی آماده و دسترس بودند؛ اگر چه از نظر ترتیب با یکدیگر اختلاف داشتند، یا آن که در حواشی این قرآن‌ها دعاهایی افزوده شده بود.^{۶۰} تهیته این مصحف‌ها علاوه بر این که قرآن را به صورت مکتوب نزد مسلمانان محفوظ می‌داشت، هر کدام از صحابه نیز امکان می‌داد که در هر فرصتی قرآن را قرائت کنند و کسی که فاقد مصحف بود، باید قرآن را از حفظ می‌خواند.

از مجموع آیات و روایات در این زمینه دو مفهوم کلی و مهم می‌توان دریافت: اولاً، نگارش و کتابت قرآن کریم در زمان رسول ﷺ و دیگری، این که آیات و سوره‌ها در زمان رسول ﷺ منظم و مرتب شده بودند که به تبع آن در مجموع کتابت و نگارش قرآن کریم با

۵۸. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۵۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۶.

۵۹. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۳۷۱.

۶۰. برای اطلاع از اختلاف ترتیب مصاحف، رک: الاتقان، ج ۱، ص ۶۴-۶۲؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۳۸-۳۹؛ مناهل

العرفان، ج ۱، ص ۲۴۰. تاریخ القرآن، زنجانی، ص ۷۰-۸۰؛ تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

نظم و ترتیب و به دور از هرگونه اختلاف و پراکندگی در زمان رسول ﷺ صورت گرفت. شواهد قرآنی و روایی خط بطلان بر هرگونه روایت و نظریه ای می کشد که معتقد بر جمع و تدوین قرآن کریم، پس از رحلت رسول ﷺ و توسط خلفا است. این شواهد در شکل زیر بدین صورت دسته بندی گردیده اند:

شواهد قرآنی و روایی نگارش و تدوین قرآن به صورت منظم و مرتب در زمان رسول ﷺ	شواهد قرآنی و روایی ترتیب آیات و سورها در زمان رسول ﷺ	شواهد قرآنی و روایی نگارش قرآن در زمان رسول ﷺ
<ul style="list-style-type: none"> • ذکر واژه کتاب در قرآن • آیات تحدی • عرضه قرآن بر شخص رسول ﷺ • تألیف قرآن • نظارت پیامبر ﷺ بر نگارش قرآن • لفظ کتاب در روایات 	<ul style="list-style-type: none"> • نظم و ترتیب آیات و سورها • تقسیم بندی قرآن رسول ﷺ 	<ul style="list-style-type: none"> • ابراهیم نگارش در قرآن • اظهارات مشرکان در قرآن • روایات های قرآنت از روی مصحف • احکام مصحفها • محل مصحف در مسجد نبی ﷺ • شواهد نقلی مرتبط با مصاحف صحابه

شکل ۱: شواهد قرآنی و روایی جمع و تدوین قرآن کریم در زمان رسول خدا ﷺ

د) معیار عقل

سومین معیاری که می تواند در نقد روایات جمع قرآن کریم کارایی بسیار مهمی داشته باشد، عقل است. روایات جمع قرآن پس از پیامبر ﷺ با دلیل عقلی نیز ناسازگارند؛ دلیلی که ثابت می کند ممکن نیست پیامبر ﷺ با آن اهتمامی که به مسأله قرآن و حفظ آن داشته اند، نسبت به تنظیم و ترتیب آن بی توجه باشند و به نسل های بعدی خود بسپارند؛ زیرا محفوظ ماندن هر کتابی به مراقبت خود مؤلف بازمی گردد؛ به ویژه اگر این کتاب، سرنوشت ساز باشد و درس علمی و عملی برای نسل های آینده داشته باشد. نیز انحراف، دست خوردگی و مسائل دیگر در کتاب های آسمانی پیشین تجربه شده باشد؛ رنج تحریف در خود کتاب و خاطر مخاطبان؛ یعنی مسلمانان بازگوشده باشد و مهم تر از همه آن که این کتاب، معجزه برتر پیامبر خاتم ﷺ باشد که پس از او دست بشر تا همیشه از دامن وحی جدید منقطع خواهد شد. در این صورت، ممکن نیست شخصی چون پیامبر ﷺ مسأله تألیف را به دیگران واگذار کرده باشد و در حیات خود، کاری چنان سترگ را به اهمال و انهداده باشد. مقدمات این دلیل عبارت اند از:

الف. خداوند حکیم از آن جهت که هر کارش از روی حکمت و هدف دار است و هیچ

کاری را بیهوده انجام نمی دهد، قرآن کریم را به عنوان کتاب جامع دین و شریعت اسلام برای هدفی نازل کرده است و آن، این است که بشر از زمان نزول تا قیامت، برنامه زندگی خود را بر اساس آن تنظیم کند و زمینه سعادت ابدی را برای خویش فراهم سازند.

ب. به اقتضای حکمت پروردگار و تحقق هدف مذکور باید قرآن کریم، بدون هرگونه کاستی یا زیادتی در همه اعصار، نسل اندر نسل در اختیار مردم قرار گیرد و این جز با تدبیرهای لازم خداوند و پیامبر ﷺ در جمع و پیشگیری از تحریف نمی تواند باشد.^{۶۱} خداوند تعالی، خود به مقتضای حکمتش چنین اشاره کرده است:

«لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^{۶۲}

از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویی نمی آید و وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات].

آیه شریفه مبین این حقیقت است که چون قرآن کریم از ناحیه خدای حکیم نازل شده، رسول اکرم ﷺ، گذشته از آن که مشمول هدایت و تدبیر الهی است، خود مدبری یگانه است و می داند که قرآن کریم باید تا قیامت، بدون هرگونه کاستی یا زیادتی باقی بماند؛ زیرا بعد از او پیامبری دیگر نخواهد آمد. بنا بر این، ضروری است که برای حفظ قرآن کریم تدبیری درست بیانده شود. او بهتر از هر سیاستمداری می دانست که در آن اوضاع و احوال سیاسی که منافقان، مشرکان، دولت های بزرگ و پیروانی از ادیان دیگر می خواستند، به هر صورت ممکن قرآن کریم را - که اساس اسلام است - از بین ببرند و می فهمید که پراکنده گذاشتن آن، زمینه مناسبی برای دشمنان اسلام است که با تحریف قرآن اعتبار و حجیت آن را مخدوش سازند.

پاسخ به شبهات

۱. برخی گفته اند که جمع آوری و نظم و ترتیب قرآن کریم، موضوعی تاریخی است و با دلیل عقلی اثبات نمی شود.^{۶۳} در پاسخ می گوئیم: اولاً، جمع آوری قرآن کریم، فقط یک موضوع تاریخی نیست؛ زیرا مسائلی از قبیل توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره، حجیت و اعتبار قرآن کریم، حکمت و تدبیر

۶۱. کاوشی در تاریخ جمع قرآن، ص ۶۷ - ۶۸.

۶۲. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۶۳. التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۸۵.

و مدیریت رسول اکرم ﷺ را در بردارد که همه آنها اعتقادی محسوب می‌شوند و نه تاریخی. ثانیاً، چه اشکالی دارد که موضوعی تاریخی از طریق تحلیل و استدلال عقلی مورد بررسی قرار گیرد؟ بی‌تردید، وقوع یا عدم وقوع بسیاری از وقایع نقل شده در تاریخ، با تحلیل عقلی روشن می‌شود و از این طریق می‌توان، به صحت یا جعلی بودن اخبار مربوط به آن پی برد.

ثالثاً، برخی از قضایای تاریخی این گونه‌اند که گرچه روز، ماه، سال و شرایط آنها از نظر نقل تاریخی معلوم نیست، ولی اصل آن قضیه از نظر عقلی مسلم است؛ مانند مرگ یک رجل سیاسی یا مذهبی یا علمی در قرون گذشته، که گرچه سال، ماه و روز آن روشن نیست، اما شکی در وقوع آن نمی‌توان داشت. قضیه جمع‌آوری و ترتیب و تنظیم آن توسط پیامبر ﷺ نیز گرچه روز و ماه آن از نظر تاریخی معلوم نیست، ولی اصل آن بر اساس تحلیل عقلی امری مسلم است.

۲. شبهه دیگر، این که اهتمام پیامبر ﷺ به قرآن کریم چیزی نیست که قابل انکار باشد؛ به همین جهت می‌پذیریم که ثبت آیات ضمن سوره‌ها در زمان خود آن حضرت انجام گرفت، ولی این اهتمام با این که جمع سوره‌ها و ترتیب آنها پس از رحلت پیامبر ﷺ و توسط اصحاب صورت پذیرفته باشد، منافات ندارد.^{۶۴}

در پاسخ گفته می‌شود: اولاً، با توجه به این که دشمنان اسلام در صدد بودند تا قرآن کریم را کم، زیاد و تحریف کنند، به تأخیر انداختن جمع‌آوری آن با حکمت و تدبیر رسول اکرم ﷺ سازگاری ندارد.

ثانیاً، ضمانتی وجود ندارد که ترتیب قرآن کریم را همان گونه که رسول اکرم ﷺ خود به امروهدایت پروردگاری می‌تواند صورت دهد، به اصحاب واگذارد؛ زیرا بر فرض که همه اصحاب از نظر امانت‌داری و تقوا برجسته باشند و منافقانی در بین آنها نباشند، مسلماً مصون از خطا نمی‌توانستند باشند و احتمال تحریف در قرآن کریم همچنان باقی بود.

ثالثاً، برای این که اصحاب پیامبر ﷺ نظم و ترتیب مورد نظر پروردگارا را در قرآن کریم پیاده کنند، بر پیامبر ﷺ لازم بود که نوع ترتیب و نظم صد و چهارده سوره را به اصحاب می‌آموخت و برای این امر وقت زیادی را اختصاص می‌داد؛ بیش از وقتی که برای جمع‌آوری، نظم و ترتیب قرآن کریم، با نظارت خود آن حضرت لازم بود. تدبیر حکیمانه این

۶۴. التمهید فی علوم القرآن، ص ۲۸۶.

است که خود حضرت به این مهم اقدام کند و آن را به تأخیر نیندازد.^{۶۵}

۳. اهتمام پیامبر ﷺ به شأن قرآن تردید ناپذیر است و می‌توان این اهتمام را در ثبوت آیات ضمن سوره و پس از نزول مشاهده کرد و نظم آیات در هر سوره تحقق پذیرفته است، اما جمع و ترتیب سوره‌ها به مانند یک کتاب حاصل نشده؛ زیرا همواره این گمان بوده که قرآن باز هم نازل می‌شود و وحی قطع نشده و صحیح نیست که قرآن میان دو جلد قرار گیرد، اما هنگامی که یقین کردند که وحی قطع شده، حضرت به علی رضی الله عنه وصیت کرد که قرآن را جمع‌آوری کند.^{۶۶}

این استدلال برای عدم توقیفیت سوره از ایشان بسیار عجیب است. مگر نمی‌شود تا زمانی که وحی قطع نشده، ترتیب آیات و نظم سوره‌ها مشخص شود، و هرگاه آیه یا سوره‌ای نازل شد، بگویند این آیه و سوره را در میان آن آیات یا سوره‌ها قرار دهید. فرقی بین آیه و سوره از جهت ترتیب نیست. اگر احتمال نزول وحی می‌رفته، باید ترتیب آیه‌ها را هم به بعد واگذار می‌کردند؛ زیرا احتمال می‌رفت آیه‌ای بعد نازل شود. چگونه است که به زعم ایشان هرگاه آیه‌ای نازل می‌شد، پیامبر ﷺ دستور می‌فرمودند که آن را در سوره‌ای خاص و پس از آیه‌ای خاص قرار دهند، اما اگر می‌خواستند بگویند سوره‌ای را که نازل شده باید در میان فلان سوره و فلان سوره قرار داد، این ممکن است نبوده است! اتفاقاً احتمال نزول یک یا چند آیه تا نزول سوره در اواخر دوران مدینه بیشتر بوده است.

اندیشمندانی مانند: ابن طاووسی، امام شرف الدین، عاملی، رامیار، آیه‌الله خویی^{۶۷} و... در کتاب‌هایشان به این مسأله تأکید داشتند.

ه) معیار تاریخ

یکی از معیارهایی که از سوی صاحب نظران فریقین برای نقد روایات به کار رفته و می‌رود، معیار تاریخ است. به جرأت می‌توان گفت این معیار در زمینه روایات جمع قرآن کریم از معیارهای اساسی است؛ زیرا روایات جمع قرآن کریم حایز مباحث تاریخی هستند؛ به عنوان نمونه، هیچ فردی نمی‌تواند در این واقعیت تردید کند که رسول خدا ﷺ

۶۵. حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص ۵۸.

۶۶. التمهید فی علوم القرآن، ص ۲۸۵.

۶۷. سعد السعود، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ اجوبه المسائل جارالله، ص ۳۱؛ حقایقی مهم پیرامون قرآن، ص ۱۰۰؛ تاریخ قرآن،

ص ۲۸۰؛ بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص ۲۵۳.

نویسندگانی داشته است که وحی را می نوشتند. مورخان نیز نام نویسندگان را به صراحت یاد کرده اند.

در کتاب های تاریخی، نصوص زیادی در اختیار است که بر این واقعیت دلالت دارد؛ به عنوان نمونه در کتب اهل سنت آمده است:

عمر با برآشفتگی به سوی خواهرش و شوهر او رفت که ناگاه دریافت خُتاب بن ارت از روی نسخه ای سوره طه را به آنها آموزش می دهد. آنها با آگاهی یافتن از آمدن عمر، خُتاب را در صندوقخانه پنهان کردند و نسخه را نیز مخفی ساختند ... عمر به آنها گفت: آنچه را که می خواندید، به من بدهید تا ببینم محمد چه آورده است. خواهران را به اوداد و اوآن را خواند و از فصاحت و بلاغت آن در شگفت شد.^{۶۸}

بنا بر این، روایت های جمع و تدوین قرآن کریم در زمان خلفا با واقعیت های مسلم تاریخی در زمان رسول خدا ﷺ متعارض هستند. از طرف دیگر، اگر بپذیریم که ابوبکر قرآن را از منابع پراکنده گرد آورد و قبل از ایشان قرآن کریم جمع آوری نشده بود، با توجه به این که ابوبکر تنها دو سال و دو ماه خلافت کرد و این مدت برای جمع قرآن که در دست آن همه اشخاص پراکنده بود، کوتاه به نظر می رسد؛ به ویژه اگر جنگ یمامه را سبب واقعی بدانیم، فرصت باقی مانده فقط پانزده ماه خواهد بود.

و) معیار اجماع

از جمله معیارهایی که گاه برای نقد روایات از آن استفاده می شود، معیار اجماع است؛ اعم از آن که اجماع مسلمانان باشد یا اجماع امامیه، که در هر دو صورت دارای اعتبار است. یکی از اشکالاتی که به روایات تدوین قرآن در دوران خلفا وارد شده، این است که اگر بپذیریم این روایات صحیح و مورد اعتماد است، باید اجماع مسلمانان در پذیرفتن قرآن با تواتر نفی کنیم؛ زیرا این روایات می گویند که زید بن ثابت یا عمر بن خطاب اعلام کردند که تنها با شهادت دادن دو نفر و حتی یک نفر آیه ای را ثبت کنند. آیه الله خوبی در تقریر این اشکال در کتاب *البیان* می نویسد:

تمام مسلمانان برای اثبات قرآن بودن، سخن و راهی جز تواتر و نقل های فراوان و

۶۸. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۶۵-۳۷۰.

یقین آور نمی‌دانند؛ در صورتی که روایات تدوین، دلالت می‌کنند که هنگام گردآوری قرآن، تنها مدرک و مرجعی که برای اثبات قرآن بودن در اختیار بود و توسط آن، آیات قرآن از غیرش تشخیص داده می‌شد، شهادت دو نفر مسلمان و گاهی یک نفر که شهادت او مطابق شهادت دو نفر باشد، قرار داشت. نتیجه سخن، این است که قرآن با خبر واحد ثابت گردیده و نوشته شده است، نه به طور تواتر. آیا واقعاً یک نفر مسلمان می‌تواند با این مطلب همراهی کند و بدان معتقد باشد و یا حتی کمتر، چنین سخنی را بر زبان براند؟ آیا قطعی بودن این مسأله که قرآن باید از راه تواتر و نقل‌های پیاپی و یقین آور ثابت گردد، و نه از راه خبر واحد و یا شهادت دو نفر، نمی‌تواند دلیل قطعی بر دروغ بودن این روایات بوده باشد؟^{۶۹}

این اشکال آن چنان روشن است که بسیاری از محدثان و مورخان را به تکاپو واداشته و برای دفع آن به راه‌هایی متوسل شده‌اند. ابوشامه (م ۶۶۵ ق) در *المرشد الوجیز* - که اشکال روایت را به خوبی درک کرده است - خود توجیه دیگری ذکر می‌کند و می‌گوید:

منظورشان این بوده که ثابت شود مکتوبات عرضه شده آن چیزی است که مطابقت با نوشته‌هایی می‌کند که در خدمت پیامبر ﷺ نوشته شده، نه این که شهادت بر حفظ باشد.^{۷۰}

سیوطی که خود این احتمالات را در معنای روایات نقل شده ذکر می‌کند، احتمال دیگری طرح می‌کند و می‌گوید:

شاید هم منظور آن باشد که شهادت بدهند که این نوشته‌ها مطابق با آخرین عرضه بر پیامبر ﷺ در سال وفات حضرتش بوده است.^{۷۱}

آن چه ایشان و دیگران می‌گویند، از روایات استنباط نمی‌شود و اگر این معنا باشد، قهراً با اجماع مسلمانان در ثابت شدن قرآن با تواتر منافات دارد. این که قرآن با تواتر ثابت شده است، محل بحث نیست. محل بحث در محتوای این روایات است که می‌گویند قرآنی را گردآوری کردند که روش آنها با شهادت عدلین بود. البتّه باز ما با واقعیت عمل زید بن ثابت کاری نداریم. ممکن است نسخه‌ای که او در میان دو جلد قرار داده، همان مکتوباتی

۶۹. بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص ۳۲۰.

۷۰. المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، ص ۶۰.

۷۱. الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۱۰.

باشد که با تواتر ثابت شده است، اما اشکال بر سر این روایات و محتوای آن است که چنین چیزی را نمی‌گویند.

نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان گردید، نکته بارز در این روایات، تعارض این روایات با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که حتی افراد غیر متخصص در حوزه علوم قرآن و حدیث - که برای نخستین بار، با این روایات مواجهه می‌شوند - بدون تأمل به این امر پی می‌برند. در این پژوهش تا حدی چهره از حقیقت آشکار گردید؛ زیرا با توجه به شواهد مورد اعتماد بین فریقین چنین استنباط گردید که رسول خدا ﷺ توجه خاصی نسبت به جمع و تدوین قرآن داشته و طبق آیات شریفه امکانات و وسایل موجود بوده است. با این اوصاف چگونه می‌توان تصور نمود که مسلمانان فداکار صدر اسلام اعتنایی به جمع قرآن و حفظ آن ننموده باشند تا در نتیجه، خلفا به جمع آوری قرآن بپردازند؛ در هنگام جمع آوری قرآن، ثبت هر آیه‌ای را منوط به شهادت دو نفر بدانند! این احتمال همان گونه که به طور مفصل بیان نمودیم، از نظر عقل و بررسی تاریخ و اجماع مردود و غیر قابل اعتنا است.

گذشته از دلایل عقلی و تاریخی، روایت‌های بسیاری در کتب روایی اهل سنت مبنی بر جمع آوری قرآن در زمان رسول ﷺ و رد روایت‌های جمع آوری به دست خلفا وجود دارد. روایات رسیده از رسول ﷺ را - که در جوامع روایی اهل سنت موجود است - بررسی نمودیم و به شواهد و قراینی، دال بر نگارش و جمع آوری قرآن به صورت مصحف در زمان رسول ﷺ دست یافتیم.

بنا بر این، با توجه به تمام شواهد و قراینی که گذشت، می‌توان این‌گونه استنباط کرد، که شواهدی اعم از قرآنی، روایی، عقلی، تاریخ و اجماع در صد بیان این نکته هستند که روایات رسیده در خصوص جمع قرآن کریم در معنای خاص و منحصر به فردی - که توسط خلیفه اول و دوم ابداع شده باشد و در جامعه بازنمایی فراگیر داشته باشد - نبوده است. عرضه روایات رسیده در این برهه زمانی بر شواهدی که قبلاً بدان اشاره شد، بیان‌گر این نکته است که قطعیتی که اغلب محققان و نویسندگان در حوزه‌های گوناگون مطالعاتی بدان معتقد هستند، قابل نقد و بررسی است و حتی در مواردی بسیار ضعیف است.

کتابنامه

- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالکتب العربی، دوم، ۱۴۲۱ق.
- اجوبه المسائل جارالله، عبدالحسین شرف الدین، مترجم: علی روحانی اصفهانی، اصفهان: چاپخانه محمدی، بی نا، ۱۳۷۱ش.
- بحارالانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دارأحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- البدایة والنهایة، ابن کثیر دمشقی، بیروت: المكتبة العصرية، بی نا، ۱۳۸۴ش.
- البرهان فی علوم القرآن، محمد بن عبدالله زركشى، بیروت: دارالمعرفة، اول، ۱۴۱۰ق.
- بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ابوالقاسم خویی، مترجم: نجمی - هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- تاریخ القرآن، ابراهیم آبیاری، قاهره: دارالکتب المهدی، سوم، ۱۴۱۱ق.
- تاریخ القرآن، ابو عبدالله زنجانی، تهران: منظمه الاعلام الاسلامی، بی نا، ۱۴۰۴ق.
- تاریخ الیعقوبی، احمد بن اسحاق یعقوبی، بیروت: دارالصادر، بی نا، بی تا.
- تاریخ قرآن، محمد هادی معرفت، تهران: سمت، پنجم، ۱۳۸۲ش.
- تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران: امیرکبیر، سوم، ۱۳۶۹ش.
- تذکرة الحفاظ، محمد بن احمد ذهبی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی نا، ۱۴۱۹ق.
- تقریب التهذیب، ابن حجر احمد بن علی عسقلانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی نا، ۱۴۱۵ق.
- التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۵ق.
- تهذیب الکمال، یوسف بن عبدالرحمن، بیروت: مؤسسه الرساله، بی نا، ۱۴۰۶ق.
- جمال القراء وکمال القراء، علی بن محمد سخاوی، بیروت: دارالبلاغه، بی نا، ۱۴۱۳ق.
- حقایق مهم پیرامون قرآن، جعفر مرتضی عاملی، قم: دفترانتشارات اسلامی، سوم، ۱۳۷۷ش.
- روش شناسی نقد احادیث، علی نصیری، قم: وحی و خرد، اول، ۱۳۹۰ش.
- سعد السعود، علی بن موسی بن طاووس، قم: منشورات الرضی، بی نا، ۱۳۶۳ش.
- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، بیروت: دارالفکر للطباعة و للنشر والتوزیع، بی نا، بی تا.
- سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دارالفکر للطباعة و للنشر والتوزیع، بی

- نا، ۱۴۰۳ق.
- السنن الكبرى، احمد بن حسين بيهقي، بيروت: دارالفكر، بي نا، ۱۳۵۵ق.
- السيرة النبوية، عبد الملك بن هشام، بيروت: دارالتراث العربي، بي نا، بي تا.
- صحيح البخاري، محمد بن اسماعيل بخاري، بيروت: مؤسسه الرساله، بي نا، ۱۴۰۱ق.
- صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابوري، بيروت: دارالفكر، بي نا، بي تا.
- فتح الباري، ابن حجر احمد بن علي عسقلاني، بيروت: دارالمعرفه للطباعه للنشر، بي نا، بي تا.
- فضائل القرآن، ابو عبيد القاسم بن سلام هروي، بيروت: دارالكتب العلميه، اول، ۱۴۲۶ق.
- كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدي، قم: هجرت، دوم، ۱۴۱۰ق.
- كتاب المصاحف، ابي داود سجستاني، قاهره: الفاروق الحديثه للطباعه وللنشر، اول، ۲۰۰۲م.
- الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل، محمود زمخشري، بيروت: دارالكتاب العربي، سوم، ۱۴۰۷ق.
- كنز العمال، علاء الدين علي متقي هندي، بيروت: مؤسسه الرساله، بي نا، ۱۴۰۹ق.
- كاوشى در تاريخ جمع قرآن، محمد علي ايازي، قم: انتشارات كتاب مبين، اول، ۱۳۷۸ش.
- لباب التأويل في معاني التنزيل، علاء الدين علي بن محمد بغدادى، بيروت: دارالكتب العميه، اول، ۱۴۱۵ق.
- لسان العرب، ابن منظور محمد بن مكرم، بيروت: دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- مجمع البحرين، فخرالدين طريحي، تهران: كتابفروشى مرتضوى، سوم، ۱۳۷۵ش.
- مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، مترجم: گروه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانى، اول، ۱۳۶۰ش.
- مجمع الزوائد، ابن حجر احمد بن محمد هيثمى، بيروت: دارالكتاب العلميه، بي نا، ۱۴۰۸ق.
- محاضرات الادباء ومحاورات الشعراء والبلغاء، حسين بن محمد راغب اصفهاني، قم: مكتبه الحيدريه، بي نا، ۱۳۷۴ش.
- المرشد الوجيز الى علوم تتعلق بالكتاب العزيز، ابوشامه مقدسى، بيروت: دارالكتب العلميه، اول، ۱۴۲۴ق.

- مسند احمد، احمد بن محمد بن حنبل، بیروت: دارالصادر، بی نا، بی تا.
- معجم المقاییس اللغة، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی نا، ۱۴۰۴ق.
- المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت: دارالعلم الدارالشامیه، اول، ۱۴۱۲ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۳۷۴ش.
- وسائل الشیعة الی تفصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ق.

